

برگزیده هائی

از ورزش نظامی در دوران صفویه

در هر دوره ای از تاریخ ایران که درخشش فرهنگی و علمی و یا پیروزیهای ارتشی دیده میشود باید پذیرفت که نظم و انضباط در همه شئون اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرمانروا بوده است، بطوریکه میتوان درخشندگیهای تاریخی کشور را ثمره همان نظم و ترتیب و آموزشهای فکری و بدنی دانست، سختگیریهای تربیتی بویژه در امور نظامی چابکی و ورزیدگی لازم را به ارتشها میآموزد و آنان را برای پیکار ورزم آماده میسازد و نیز توانائی شایسته برای روبروشدن با سختیها و پذیرش مسئولیتها در ایشان بوجود میآورد.

نوشته

سرهنک ستاد

نصرت الله بختورتاش

در دوره اسلامی برجسته‌ترین نمونه‌های تربیت بدنی و فکری را در آغاز عصر صفویه تا دیرگاهی نزدیک به غروب شاهنشاهی آن دودمان می‌بینیم. هنوز چهارستون سنگی که در میدان شاه اصفهان در برابر کاخ پادشاهی صفویه در دوسوی میدان برای دروازه بازی چوگان نهاده بودند وجود دارد و بازگوکننده بسیاری از ورزشهای نظامی آن دوره می‌باشد.

علاوه بر این در وسط این میدان تیر بلندی قرار داشته است که برفراز آن پشقاب زرینی بعنوان هدف قرار داده چابک سواران به آن تیر اندازی می‌کردند. همه این ترادادها و تلاش‌های نظامی و آموزشی را شاهنشاه صفویه از فراز کاخ عالی قاپو ازمحلیکه هم اکنون بصورت ایوانی مشرف به میدان است تماشا می‌کرد.

تاورنی‌یه سیاح فرانسوی مینویسد «من خود دیدم شاه صفی جد پادشاه حالیه در پنج تاخت سه جام را بتایر فرود آورد».

ورزش سواری، تیراندازی، چوگان بازی، نیزه پرانی و شمشیربازی در میان ایرانیان در بیشتر دوره صفویه انجام می‌گرفت و شاهنشاه ایران بتماشای می‌نشست و رجال کشور نیز حضور داشتند و گاه در این مراسم از بیگانگان چه مأمورین سیاسی و چه بازرگانان دعوت میشد. در پایان مراسم شاهنشاه به برنده یا قهرمان پادشاه میداد و قدردانی مینمود. تشویق و قدردانی نیز شیوه‌ای خاص داشت. پادشاه برای بالا بردن ارج و احترام قهرمانان و تشویق و ترغیب آنان بخانه قهرمانان میرفت و حتی هزینه میهمانی از طرف دربار پرداخت می‌گردید که تا فشاری به زندگی مادی سوارکاران و تیراندازان و یا قهرمانان وارد نیاید.

حرکت شاهنشاه از کاخ پادشاهی با تشریفات ویژه عصر صفویه که بنا به آنچه از سفرنامه‌های جهانگردان و یادداشت‌های بازرگانان و سیاستمداران

بدست می آید ، بسی با شکوه و غرور انگیز بوده است ، سپس رهسپار خانه يك شخص معمولی شدن ، از خیابانها و کوچه ها گذشتن و چه بسا به خانه يك جوان گمنام فرود آمدن ، توجه همه را بخود جلب میکرد ، و هر کس از موضوع آگاهی نداشت در صدد تحقیق و کاوش بر می آمد تا بداند چه خبر است و شاهنشاه در خانه چه کسی فرود آمده همای افتخار و سرافرازی در کدامین خانه و بر تارک چه کسی نشسته است . و سر انجام زبان به زبان همه مردم شهر از واقعه آگاه میشدند و مردم شهرهای دیگر نیز این خبر را دریافت میکردند .

در میدان شاه یا نقش جهان امروزی ، فرزندان امراء و بزرگان بنمایشها و تمرین های گوناگون می پرداختند . امیر زادگان جوان در این میدان چوگان بازی میکردند ، نیزه پرانی (چریده بازی)^۲ مینمودند اسب میتاختند و یا به چابک سواریهای گوناگون دست میزدند و بگفته تاورنیه بازرگان فرانسوی: «همانطور که باتندی اسب می تازند ، بدون اینکه پای خود را از رکاب در آورند خود را خم میکنند و نیزه ها را که بر تاب کرده اند از روی زمین بر میدارند و به آئین پارتها در حالی که چهار نعل اسب میتازند و میگریزند از عقب تیر اندازی میکنند و بهمین ترتیب در حالی که بسرعت حرکت میکنند روی خود را بر میگردانند و از پشت سر وسط پشقاب زرینی را که بر بالای تیر بلندی (بارتفاع تقریباً ۴ متر) در وسط میدان بر پا داشته اند هدف قرار میدهند» .

از این نوع تیر اندازی در همه شهرها معمول است و پایه ها که هدفهای زرین را روی آن میگذارند . دارای میله های خمیده چوبینی است که بجای پلکان از آن استفاده میشود و پشقابها را بر فراز آن قرار میدهند .

« شاه که تیر اندازی را از مهتابی بزرگ کاخ تماشا میکند بهر کسی که

۲ - سفرنامه شاردن جلد چهارم . ترجمه محمد عباسی . شاردن جهانگرد فرانسوی است از سال ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ مسیحی و باردیگر از ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۷ در ایران بوده است .

پشقاب زرین را بزیر میآورد جایزه‌ای میدهد و پشقاب‌طلاران نیز باومی بخشند و همچنین برای او مبلغی برابر با ۲۷۰ ریال^۳ می‌فرستد تا وسائل پذیرائی شاه را در خانه‌اش فراهم کند، زیرا معمول چنین است که کسیکه پشقاب‌طلاران‌شانه میکند شاه برای تشویق بخانه‌اش میرود و خوراک مختصری میخورد. در این حال همه امراء و بزرگان دربار زبردستی آن تیرانداز را می‌ستایند و از اینکه افتخار پیدا کرده است که در خانه خود از شاه پذیرائی نماید به او شادباش میگویند.^۴

ورزش دیگری که همواره در طول تاریخ مورد علاقه ایرانیان بود فن کشتی‌گیری است. در هریک از شهرها و محلات شهر ورزشگاهی بنام زورخانه وجود داشته و حتی فرماندهان و فرمانروایان در خانه‌های خود زورخانه‌ای داشته‌اند.^۵ شاه سلیمان صفوی که در سن ۴۸ سالگی بیست و هفتمین سال سلطنت خود را سپری میکرد علاقه شایانی بوزرشهای نظامی مانند: سواری، تیراندازی، کشتی‌گیری، و دویدن، نشان میداده و خودنیروی جسمانی خوبی داشته و در کشتی و تیراندازی سرآمد بوده است.^۶

«روز ۱۳ سپتامبر ۱۶۶۷ شاه سلیمان باتمام رجال دربار برای تفرج سوار شد و در میدان، کلیه زینها و یراقهای جواهر نشان، سطلها و زنجیرها و تخماقها و میخ طویله‌های طلا را بمعرض نمایش گذاشته بودند. سپس شاه مشغول چوگان‌بازی و گوی‌زدن شد و باتیرو کمان و حرکت قیقاچ جام طلای بالای پایه میدان را نشانه زد و بعد ببالای سردر کاخ رفت و درتالار جلوس کرد، آنگاه با کمال شادی بتماشای پیکار فیلها، شیرها و گاوها و قوچها مشغول شد.^۷» موضوعی که در آن روز بسیار مورد توجه قرار گرفت

۳- سانون در سفرنامه خود می‌نویسد (۴۰۰ اکو) میدادند هراکو ۳ لیور و هر ۴۵ لیور یک تومان بوده است. وی مبلغ مسیعی بود و در زمان شاه سلیمان ۱۶۸۳ میلادی به ایران آمد و سالها در ایران زیست.

۴- سفرنامه سانون صفحه ۶۵-۶۶ ترجمه دکتر تقی‌تفلی چاپ ۱۳۴۶ تهران.

۵- سفرنامه شاردن جلد چهارم

۶- سفرنامه سانون صفحه ۲۸. ۷- صفحه ۵۶۶ سفرنامه تاورنی به چاپ ۱۳۳۶ اسفهان

و موجب حیرت ناظرین شد، سوار کاری مردی بود که در روی زین اسب ایستاده و با کمال سرعت اسب می‌تاخت و سه مرتبه درازای میدان را بتاخت پیمود، اگر چه بار اول بزمین افتاد اما با کمال چابکی برخاست و باز سوار شد. تمرین‌های شمشیربازی و نیز اجرای مسابقه باشمشیرهای حقیقی و سپر انجام می‌گرفت. چون شمشیربازی مستلزم داشتن بازوان نیرومند و پرتوان می‌باشد، برای ورزیده کردن نوآموزان دو وزنه ببازوان آنان می‌بستند و همچنین وزنه‌هایی بشکل نعل اسب برشانه‌های شمشیرباز می‌تھاندند^۸.

البته شاید این وزنه‌های نعلی شکل بیشتر بخاطر حفاظت شانه‌ها بوده است، زیرا دیده شده که طرفین زخمی هم شده‌اند.

کلیه این مراسم و ورزشهای میدانی در روزهای نوروز باستانی انجام میگرفت. زیرا در مواقع دیگر میدان شاه محل اجتماع بازرگانان داخلی و خارجی و دادوستد بوده است. معمولاً ۲۰ روز پیش از نوروز چادرها را جمع میکردند و زمین را شخم میزدند و برای انجام عملیات ورزشی آماده می‌ساختند.

این آموزش نسبت بهمه شاهزادگان اجرا میشد تا آنها را نیرومند، چابک و تیزهوش بار آورند. خواندن و نوشتن، تعلیمات دینی و نیز آموختن علوم دیگر از مواد برنامه آموزشی بشمار می‌رفته است.

دویدن و استقامت و بردباری در ورزش نیز بسیار مورد توجه بوده است. «شاطرها» که مأمورین احضار و ابلاغ احکام و فرمانهای سلطنتی و دولتی با وضع شگفت انگیزی تندرو و پراستقامت و شکبیا بوده‌اند، بردباری و ایستادگی آنان در برابر رنج گرما و سرما، گرسنگی و تشنگی و پراکاری و ورزیدگی قابل تحسین و ارزنده می‌باشد.

این شاطرها تعلیمات مخصوصی می‌دیدند، آموزش از سن ۷ سالگی آغاز میشد و همه تمرین‌ها مبتنی بود بر دویدن، تندراه رفتن، و بالا بردن نیروی پایداری

و مقاومت و تنفس، نخست از مسافتهای کم شروع میکردند و بعد بر آن می افزودند، در سن ۱۸ سالگی يك كوله بار آرد يك ساج برای پختن نان، و يك كوزه آب را باید با خود حمل کنند و تمرینها را با وزن این بار آغاز نمایند. پس از اینکه تمرینهای لازم انجام میگرفت مرحله آزمایش شروع میشد.

آزمایش رنگ و جلوه خاصی داشت و نام جشن شاطر خوانده شده است، عده ای در میدان جمع میکردند و با شیرینی و شربت پذیرائی میشدند. گروههای هنری که بیشتر از زنان هنرمند تشکیل شده بود به رقص و پایکوبی پرداخته، ترانه میخواندند، مدعوین هر يك نیز عده ای برای آزمایش دهنده آماده میکردند.

در اصفهان آزمایش و تشریفات مربوط از میدان شاه آغاز و به کوه صفه ختم میشده است به این ترتیب که دهنده (شاطر) در میدان شاه لخت شده يك شلوار نازك و کوتاه بر تن میکرد و کمر بندی بر میان می بست که روی آن در جلوسه زنگوله قرار داشته است. زمان آزمایش طلوع آفتاب بود و دهنده بایستی دوازده مرتبه بی درنگ از میدان تا نقطه معینی در کوه صفه بدود و باز گردد؛ در مسیر حرکت چهار صد سرباز سوار انتظامت را بر عهده داشته اند. در کوه صفه در نقطه معلومی که با سنگ بزرگی مشخص شده بود، چند نفر بر حرکت و رسیدن دهنده نظارت داشتند و در هر بار يك تیر به او میدادند که بمیدان بیاورد و هر بار که بمیدان وارد میشد طبل و شیپورها بصدا در می آمد و زنهای آوازه خوان او را می بوسیدند و نوازش میکردند، هنگام غروب تعداد تیرها را در میدان شاه می شمردند و میزان مسافتی را که طی کرده است محاسبه می کردند سپس استادان که معمولاً از شاطران دربار هستند پذیرش او را اعلام و گواهی مینمودند و در اینوقت کلیه هدایائی که برای شاطر آماده شده بود به او میدادند.^۹

۹ - برای اطلاعات بیشتر به سفرنامه تاورنی به . (شهر اصفهان پایتخت کل ممالک پادشاه ایران) مراجعه شود .

برای آنکه اهمیت سان ورژه‌های نظامی و آزمایش تیراندازی سپاهیان خوب سنجش و بر آورد شود یکی از ورژه‌ها و بازدیدهای شاه عباس دوم را در قزوین در زیر مینگاریم:

« در ماه اکتبر ۱۶۵۴ شاه عباس دوم در قزوین بازدید ورژه همگانی از سوارهای خود انجام داد که ده دوازده روز طول کشید ، روزها شاه در سردری یکی از باغهای خود می‌نشست و افسران بزرگ روبروی او می‌ایستادند و هر روز چند دسته از سوارها با اسب و اسلحه کامل با آراستگی از مقابل او می‌گذراشتند. اما بایستی يك يك بگذرند و کمی بالاتراز جایگاه پادشاه اسب‌رابطازند و در برابر شاه تیری به نشانه‌ایکه سمت چپ قرار داده شده بود بیندازند. هنگامیکه بازدید تمام میشد ، سربازانی که بهتر تیراندازی کرده و نشانه را خوب زده بودند، بر حقوقشان افزوده میشد.»

« آن هنگام من در قزوین بودم و در خاطر دارم که یکی از سواران وقتی مقابل شاه رسید با همان قدم بدون اینکه اسب بتازد عبور کرد و تیر هم نینداخت، تنها سلام نظامی داد و گذشت این سوار سیه چهره و زشت بود، شاه از رفتار او دگرگون شد و گفت تا او را از ارتش بیرون کنند فرمان شاه اجرا شد، لیکن فرمانده سواران بعرض رسانید که این سوار بهترین سربازی است که در ارتش یافت میشود و من دلیری و شجاعت او را در جنگهای ایروان و قندهار دیده‌ام. و پدرش نیز سربازی بود که سه بار به محاصره بغداد رفته و خدمات برجسته‌ای انجام داده است. شاه پذیرفت که اسب و جنگ افزار او را بدهند و بار دیگر مانند دیگران اسب بتازد و تیراندازی کند. این بار هم ، وقتی مقابل جایگاه رسید قدری اسب خود را براست و چپ تاخته و پیرامون خود رانگه کرد، اما باز هم تیراندازی نکرد. فرمانده سوار نظام فریاد کشید که تیراندازی کند ، سوار گفت ، بکجا تیراندازی کنم ؟ سردار گفت همانجائیکه دیگران تیرانداخته‌اند. آنگاه سوار سری به نشانه تحقیر جنبانید و گفت حیف نیست که تیرها بپهوده به در رود و بخاک بیفتد؟ تیر من باید بجان

وسردشمنان پادشاه من بخورد، آنوقت تادیگران يك تیر به کمان بگذارند من سه تیر انداخته ام و سه نفر را بروی خاک خوابانیده ام. پس از گفتن این کلمات دو تیر از ترکش بیرون کشید، یکی را بدنندان گرفت و دیگری را بکمان گذارد و اسب را با همه نیرو بتاخت در آورد و بسوی نشانه رفت، مسافتی از آن دور شد، سپس مانند پارتها بطرف عقب برگشت و با حرکت قیقاچ تیر را در هدف جای داد، باردیگر باز گشت و به این سوی نشانه رسید تیر دیگری را که بدنندان گرفته بود بکمان گذارد و چون وقت باز گشت تیر نخستین او را از سفیدی وسط نشانه بیرون کشیده بودند تیر دوم را از سوراخ تیر نخستین گذرانیده بود؛ بعد از تیر اندازی فرمانده سوار نظام نزد شاه رفت، سرباز سوار هم آمد و پای شاه را بوسید، شاه بر میزان حقوقش که ۳۰ ریال بود ۱۵۰ ریال افزود.»^{۱۰}

پارهای از تعلیمات ورزشی نیز در حرم پادشاه برای بانوان نیز قابل اجرا بوده است.

بانوان و دختران، اسب سواری میکرده اند، تیر اندازی با تیرو کمان و با تفنگ را فرا میگرفته اند، به آنها آموخته میشد که چگونه شکار کنند و چگونه بدنبال گوزن یا شکارهای دیگر اسب بتازند علاوه بر تعلیمات دینی، ادبیات، تاریخ، ریاضیات، نقاشی، ساز زدن، رقصیدن و آواز خواندن می آموخته اند و به این ترتیب از بیکاری و خستگی دوری می جستند. گاهی نیز بانوان همراه با پادشاه برای شکار از شهر بیرون میرفته اند.

« و اما بانوانی که باین ترتیب تربیت می شدند مانند مردان جنگی کار آزموده ای هستند زیرا در سوار کاری ورزیده و مهارت داشتند و بر اسب هامهمیز میزنند و چهار نعل می تازند و بخوبی وزبر دستی چابک ترین مردان اسب سواری میکنند، با کمال شجاعت حیوانات درنده را دنبال می نمایند و با مهارتی شگفت انگیز تیر از کمان رها میکنند و با وضعی تحسین آمیز جانوران را

شکار میکنند و در حالی که باز شکاری را روی دست نگه میدارند بدنبال شاه اسب می‌تازند و هر وقت شاه فرمان دهد بازها را رهامی کنند. هنگامی که باز به پرواز درمی‌آید بانهایت سرعت بتاخت بدنبال آن می‌روند و برای باز گرداندن باز در همان حالی که چهارنعل اسب می‌تازند طبل کسوجکی را که روی زین با خود دارند بصدای می‌آورند، اگر باز صیدی را شکار کرده باشد آنرا می‌آورند. و بشاه نشان میدهند اگر شکار مرغ گلنگ باشد شاه پره‌های او را بین خانم‌ها تقسیم میکند، خانم‌ها پرها را بصورت زیبایی درمی‌آورند و کلاه و موهایشان را با پرها می‌آرایند،^{۱۱}

پس از شاه عباس کبیر در انواع ورزشهای گوناگون نظامی رونق سابق مشاهده نمی‌شود زیرا عدم توجه زمامداران اواخر سلسله صفوی در امور ورزشی و تجمل پرستی و تن‌پروری اکثر مردم باعث سقوط این امر مهم گردیده بود. این وضع تا زمان نادر ادامه داشت و در آن هنگام است که بار دیگر شاهد پیشرفت‌هایی در انواع ورزشهای نظامی می‌باشیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



يك سوار نظام دوره صفوی